

پیام دو

دو درخت و دو اصل زیستن

مطالعه متون مقدس: پیدایش ۲: ۹؛ عبرانیان ۴: ۱۲؛ ۱ قرن‌تیا ۲: ۱۴-۱۵؛

رومیان ۸: ۴، ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ ۲ قرن‌تیا ۱۱: ۳

۱. آن دو درخت در پیدایش ۲: ۹ - درخت حیات و درخت دانش خوب و بد - نمایانگر دو اصل زیستن است:

آ. آن دو درخت نشان می‌دهد که یک مسیحی می‌تواند بر طبق دو اصل متفاوت زندگی کند - اصل درست و غلط یا اصل حیات - ۱ قرن‌تیا ۸: ۱.

ب. مسیحی بودن موردی از اصل درست و غلط، اصل خوب و بد نیست، بلکه موردی از حیات است - اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳، ۲۰.

پ. وقتی خداوند عیسی را دریافت کردیم و حیاتی نوین به دست آوردیم، اصل دیگری از زیستن به دست آوردیم - اصل حیات؛ اگر این اصل را نشناسیم، اصل حیات را کنار گذاشته و اصل درست و غلط را دنبال خواهیم کرد.

ت. مسیحی بودن این نیست که پرسیم آیا چیزی درست است یا غلط، بلکه این مسئله بررسی حیات درون ما در هنگام انجام هر کاری است - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹.

۲. زندگی مسیحی ما بر اساس یک حیات درونی، نه یک معیار بیرونی از درست و غلط است؛ اصل زیستن ما به جای ظاهری، درونی است:

آ. اگر توسط اصل درست و غلط زندگی کنیم، همچون مردم دنیای هستیم - آ. ۱۷.

ب. درست و غلط با معیار بیرونی تعیین نمی‌شود، بلکه با حیات درونی [تعیین می‌شود].

پ. ما نه تنها باید از هر چیز بد بلکه از هر چه که صرفاً خوب است دوری کنیم:

۱. مسیحیان فقط می‌توانند کاری را انجام دهند که از حیات ناشی می‌شود؛ چیزهای بد، چیزهای خوب، و چیزهای حیات وجود دارد - یوحنا ۱: ۴؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۵؛ ۵: ۱۳.

۲. در پیدایش ۲: ۹ «خوب و بد» به عنوان یک راه کنار هم قرار گرفته اند، در حالی که «حیات» یک راه دیگر است.

۳. معیاری هست که بالاتر از معیار خوب است؛ آن معیار حیات است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۱-۱۲.

۴. معیار زندگی مسیحی نه تنها به چیزهای بد بلکه به چیزهای خوب و درست نیز رسیدگی می‌کند.

۵. خیلی چیزها بر طبق معیارهای انسانی درست هستند، اما معیار الهی آنها را غلط اعلام می‌کند زیرا آنها فاقد حیات الهی هستند.

ت. زیستن مسیحی بر اساس حیات درونی است - رومیان ۸: ۲، ۶، ۱۰-۱۱:

۱. هیچ مسیحی نباید چیزی را جدا از حیات تعیین کند - ۱ یوحنا ۵: ۱۳.

۲. هر چه حیات درون را زیاد کند درست است، و هر چه حیات درون را کم کند غلط است.

۳. مسیر ما حیات خداست، نه درست و غلط؛ تفاوت بین این دو اصل بسیار زیاد است، و تضاد اینجا عظیم است.

۴. تنها سوالی که باید پرسیم این است که آیا حیات الهی در درون ما بر می‌خیزد یا سقوط می‌کند؛ این چیزی است که باید مسیری را که طی می‌کنیم تعیین کند.

۵. خدا از ما می‌خواهد که حیات الهی را راضی کنیم؛ ما باید کارها را طوری انجام دهیم که حیاتی را که خدا به ما داده است راضی کند - یوحنا ۱: ۴؛ ۳: ۱۵.

۶. به عنوان مسیحیان، ما نباید تنها به خاطر گناهایی که مرتکب شده ایم، در برابر خدا توبه کنیم؛ اغلب، ما باید به خاطر کارهای خوبی که انجام داده ایم، در برابر خدا توبه کنیم.

۷. اصل زیستن ما این نیست که بین خوب و بد فرق بگذارد؛ ما باید به پیشگاه خدا بیایم تا تعیین کنیم که چه چیز از حیات و چه چیز از مرگ است - رومیان ۸: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۴.

۳. اگر بخواهیم بر طبق اصل حیات زندگی کنیم، باید روح را از روان تشخیص داده و روح را بشناسیم - عبرانیان ۴: ۱۲؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۴-۱۵:

آ. خداوند که روح است، در روح ما زندگی کرده، ساکن است، کار، حرکت و عمل می کند، و ما با او یک روح هستیم - ۲ قرنتیان ۳: ۱۷؛ رومیان ۸: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷:

۱. اگر ما یلیم خداوند را به صورت عملی شناخته و او را در زندگی روزانه خود تجربه کنیم، باید یاد بگیریم که روح خود را تشخیص دهیم - ۲: ۱۴-۱۵.

۲. اگر روح انسانی خود را نشناسیم، نمی توانیم حرکت خدا در درونمان را درک کنیم و نمی توانیم از خداوند پیروی نماییم، زیرا خداوند روح است که در درون روحمان زندگی می کند - ۱ یوحنا ۲: ۲۷؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

ب. ما باید تفاوت بین روح و اجزای درونی دیگر خود را بدانیم - مزامیر ۵۱: ۶؛ حزقیال ۳۶: ۲۶؛ ۱ پطرس ۳: ۴.

پ. انجام هر کاری در روان ما، خواه درست باشد یا غلط، زندگی کردن در انسان کهنه است؛ بنابراین، ما باید حیات روان، یا خودمان را انکار کنیم - متی ۱۶: ۲۴-۲۶.

ت. وقتی که از روح خود پیروی می کنیم، از خود خداوند پیروی می کنیم، زیرا خداوند در روح ماست - ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷.

۴. برای اینکه بر طبق اصل حیات زندگی کنیم، باید از حس درونی حیات پیروی نماییم - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ اشعیا ۴۰: ۳۱:

آ. حس حیات، باطنی، شخصی و عملی است:

۱. حس حیات از جنبه منفی، احساس مرگ است - رومیان ۸: ۶.

۲. حس حیات از جنبه مثبت، احساس حیات و آرامش است، با حس آگاهی از قوت، رضایت، آسایش، روشنایی و راحتی - آ. ۶.

ب. منشأ حس حیات، حیات الهی (افسسیان ۴: ۱۸-۱۹)، قانون حیات (رومیان ۸: ۲)، روح القدس (آ. ۱۱؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۷)، ماندن مسیح در ما (یوحنا ۱۵: ۴-۵)، و عمل کردن خدا در ما (فیلیپیان ۲: ۱۳) است.

پ. عملکرد حس حیات این است که باعث شود بدانیم آیا در حیات طبیعی یا در حیات الهی زندگی می کنیم و آیا در جسم یا در روح زندگی می کنیم - ۱ قرنتیان ۲: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۸: ۸-۹؛ غلاطیان ۵: ۱۶-۱۷.

ت. رشد یک ایماندار در حیات بستگی به چگونگی رسیدگی او به حس درونی حیات دارد - افسسیان ۴: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۱۹؛ ۱ قرنتیان ۳: ۶-۷.

ث. ما باید دعا کنیم تا به درون حس حیات داخل شده و روز به روز تحت عنصر کنترل، هدایت و رهبری کننده آن زندگی کنیم - رومیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۷.

ج. ما هر چه بیشتر بر طبق روح گام برداشته و حس حیات را دنبال کنیم، بیشتر مطابق اصل حیات زندگی خواهیم کرد - رومیان ۸: ۴، ۶.

۵. اگر مطابق اصل حیات زندگی کنیم، امور را نه بر طبق درست و غلط بلکه بر طبق حیات و مرگ تشخیص خواهیم داد - ۲ قرنتیان ۱۱: ۳:

آ. انجیل یوحنا بر این امر مسلم تأکید دارد که درخت حیات در مقابل درخت دانش خوب و بد است و اینکه ما نباید به خوب یا بد بلکه به حیات اهمیت دهیم - ۴: ۱۰-۱۴، ۲۰-۲۱، ۲۳-۲۴؛ ۹: ۳-۹؛ ۱۱: ۲۰-۲۷.

ب. بهترین راه برای تشخیص یک موضوع - رمز تشخیص - تشخیص دادن بر طبق حیات یا مرگ است؛ ما باید بیاموزیم که امور را توسط حیات و مرگ تشخیص داده و از هم متمایز کنیم، و هر سخنی که ما را از مسرت مسیح به عنوان تأمین حیاتمان محروم می کند، رد کنیم، اما خدمتگزاری واقعی خداوند را که همیشه ما را در مسرت مسیح به عنوان تأمین حیات ما تقویت می کند، دریافت نماییم - رومیان ۸: ۶؛ ۲ قرن ۱۱: ۳.